



نوروز در ایران پیش از اسلام و پس از گسترش اسلام مانیا محمودی

"زمین جامه سفید برف و آه بلند سرما را می گذراند ، قباک سبز می پوشد و سرودش از دهان بلبلان بر می آید که نوروز است"

نوروز در فرهنگ معین چنین معنی شده است : روز نو - روز تازه - جشن بهار و سال نو نزد آریاییان . فروردین نیز در زبان پهلوی یعنی آغاز رستن نبات و در فرهنگ ایران باستان از واژه فرور یا فرورد از زمان هخامنشی و در کتیبه بیستون نیز آمده به ما رسیده است.

قرائنی در دست است که می رسانند در کرت مینو سی در عصر مفرغ یعنی در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد آیینهای بهاری به موازات شمار بسیاری از آیینهای دیگر بر گذار میشد . این جشن در عهد قدیم یعنی هنگام تدوین اوستا نیز در آغاز برج حمل یعنی بهار بر پا میشده ولی نحوه آن معلوم نیست از مراسم نوروز در زمان هخامنشیان و اشکانیان هم اطلاع دقیقی در دست نیست ، اما در عهد ساسانی، نوروز یعنی روز اول سال ایرانی و نخستین روز فروردین ماه - در اول بهار نبود بلکه مثل عید فطر و ... در میان مسلمانان ، در همه فصلها می گشت . در سال ۱۱ هجرت که مبدأ تاریخ یزد گردی و مصادف با جلوس یزد گرد آخرین پادشاه ساسانی است ؛ نوروز ، اول تابستان افتاد و هر سال چهار روز عقب می آمد تا به اول برج حمل یعنی بهار رسید . در سال ۶۷۰ ه.ق نوروز هفده روز مانده به زمستان افتاد بعد از این جلال الدین ملکشاه سلجوقی به همت شاعر عالی مقام ایران حکیم عمر خیام و یک عده دانشمند ، ترتیب تقویم جدید جلالی را بنا نهاد و نوروز را در اول بهار ثابت نگه داشت . از این جشن در ادبیات عرب پیش از اسلام نیز چیزی در دست نمی باشد اما در کتابهای پس از گسترش اسلام در روزگار عباسیان نام نوروز را در داستانهای زمان عمر می بینیم ؛ که او جشن نوروز گرفته و برابر با رسم ایرانی شیرینی ساخته و نزد علی بن ابیطالب فرستاده و گفته که به مناسبت فرا رسیدن جشن نوروز است. آیین های آنها ارمغان های نوروز و مهرگان است و قدیمی تر ین سند مربوط به این آیین ها از عمر بن بحر معروف به جاحظ در سال ۲۵۵ هجری است .

مهرگان آغاز آمدن زمستان و سر فصل سرماست و نوروز سرآغاز گرما - آغاز شدن سال نو - از نو زدن درهم و دینار - پاکیزه کردن آتشکده ها - پاشیدن آب و سوزاندن اسپند است .

در نوروز هر کسی به پادشاه باید ارمغانی می داد ، ارزش هدیه هر کس که بیشتر بود ، پادشاه در هنگام نیاز به او کمک میرساند ؛ از این رسم هدیه دادن به پادشاه که مثل باری بر گرده مردم بود در کتابها بسیار نقل شده است که کاردانان حکومت اموی به بهانه فرا رسیدن نوروز کالاهایی را به زور بنام ارمغان از مردم می گرفتند . نوروز در دوره اسلام با آمدن خورشید بر برج حمل و به پایان رسیدن گردش ۳۶۵ روز و شش ساعت زمین به گرد هور جشن گرفته می شد . در ایران باستان روز یکم تا پنجم پادشاه بر اورنگ شاهی می نشست و مردم با هدایا به پیشگاه او می آمدند از سلمان فارسی نیز نقل شده که نخستین روز فروردین "هورمزد" نام دارد که از نامهای خداوند است و این روز، روز بسیار فرخنده ای میباشد و از امام صادق روایت شده که در آغاز نوروز - فروردین آدم آفریده شده و آن روز فرخنده ایست برای خواستن نیازها و بر آورده شدن آرزوها . همچنین نیاکان آیین زرتشت روز ششم را بسیار گرامی می داشتند زیرا جشن زایش آشور زرتشت اسپنتمان و روز برگذیده شدنش به مقام والای پیامبری بود . در زمان ساسانیان سلاطین روز ششم را به خود و محرمان اختصاص داده و در صبح شکر می خوردند و بدن خود را برای حفظ از ناخوشی ها روغن و موم می مالیدند .

برگ برگ صفحات این قوم گواهی میدهد نوروز باستانی همواره کهن ترین سنت قوم ایرانی و عزیزترین روز سال نزد ایرانیان بوده است ، "نوروز" برجای مانده از روزگاری است که جز با کمک خیال و مدد افسانه راهی به آن دیار نیست . این جشن ها مایه همبستگی و هم پیوندی دلهای آریا ثیان پاک نژادی است که در سراسر ایران زمین می زیسته اند. نوروز بزرگترین حلقه پیوستگی فرهنگ ایرانی و مظهر ملیت ایرانی است که تا به امروز گرامی است و خواهد بود .

مقدمات نوروز

در ایران از دیر باز این اوقات با مقدماتی که از اسفند ، در تدارکش بودند، جشن گرفته می شد . این مقدمات شامل لباس عید - نظافت و تمیز کردن دکانها و خانه ها - تهیه آجیل عید از گندم ، نخود ، شاهدانه بو داده با کشمش ، سنجد ، پسته ، بادام و فندق است و همچنین تهیه شیرینی و کلوچه و سایر خوراکیها و سبزه عید با مقداری گندم یا عدس یا ماش سبز است .

برای روز عید خوانچه ای فراهم می کردند و در آن هفت چیز که با سین شروع می شود می چینند مثل : سیب - سماق - سبزی - سر که - سمنو - سمبل - سیر - سیاهدانه ... عدد هفت از زمان قدیم مقدس بود و اشاره به هفت "امشاسپندان" یا بزرگترین فرشتگان فردیسنه دارد ؛ که عبارتند از هر مزد - بهمن - اردیبهشت - شهریور - سپندارمذ - خور داد - امر داد .

حرف سین اصالتی ندارد و در ادوار مختلف تغییر یافته ، بعضی آن را هفت شین آورده اند و در آن شمع و شیرینی و شربت و شکر و شانه و شراب میچیدند و برخی هفت میم .

در هفت سین که رایج تر بین خوانچه است سبزه را چون مظهر محیطی نور است می گذارند و می گفتند با نگریستن به سبزه اندیشه را شادمان می کنیم .

سمنو ، نیز که از گندم خیس کرده است را مظهر جوانه روزیشان می دانستند، قرآن را به لحاظ مذهبی گذاشته و سوره ای از آن را به هنگام تحویل سال می خواندند ، آیینی را به عنوان روشنایی به فال نیک می گرفتند که نشانه جهان بی پایان است و تخم مرغ رنگ کرده با آب پیاز که مظهری از نژاد و آفرینش آدمی است را روی آیینی می گذاشتند تا شروع سال نو را بفهمند زیرا معتقد بودند به هنگام تحویل سال زمین تکان می خورد و این را از لغزش تخم مرغ روی آیینی می فهمند. جامی از آب می گذاشتند و بعضی در آن ماهی می انداختند که نشانه روزی حلال است.

اعتقادات نوروزی

برای هر يك از سال ها حیوانی در نظر گرفته بودند و می گفتند هر سال روی یکی از این حیوانات می چرخد و خلق و خوی آن حیوان روی زندگی عمومی مردم تاثیر دارد . مثلا میگفتند سالهای موش ، پلنگ ، خرگوش ، نهنگ ، مار میمون و خوک خوب نیست چون این حیوانات خصوصیات بدی دارند ؛ معتقد بودند در سال مار مردم از سختی زندگی مثل مار پوست می اندازند . اما سالهای گاو ، گوسفند ، اسب ، مرغ ، سگ خوب هستند و سال فراوانی نعمت و امنیت است.

غذای شب نوروز مردم در هر شهر و روستا ، معمولاً سبزی پلو و یا رشته پلو است ، البته در بسیاری از جاها بر حسب آیین شان غذاهای دیگری هم درست می کنند ، مثل: آش ترش ، کوفته ، پلو یا خورش ... در ایران باستان اگر کسی نامزد داشت باید شام شب عید او را به خانه اش می فرستاد که به آن شام "شب عیدی" می گفتند و در سال اول زندگی زناشویی پدر و مادر عروس برای داماد هدیه و شام می فرستادند. در آن زمان مردها باید موی سر و ریش را حنا می گذاشتند و زنها دستان و پاهایشان را

اگر خانواده ای عزا دار بود بزرگی از فامیل ، زنها و مردها را بطور جدا با خرج خود به حمام دعوت می کرد و به این صورت آنها را از عزا در می آورد .

روز سیزده بدر

مراسم دید و بازدید از بزرگان تا روز دوازدهم عید ادامه داشت و روز سیزده که عنوان روز نحس را از نخستین سال رصد زرتشت به خود اختصاص داده بود ؛ مردم به دشت و کوه می رفتند تا نحوست سیزده را به صحرا بیاندازند. دختران شیرازی شب قبل از سیزدهم نخی هفت رنگ را بافته و صبح به کمرشان می بستند و از پسر بچه ای نا بالغ می خواستند تا آن گره را باز کند بدین امید که گره از پختنشان باز شود و همچنین مادران به فرزندانشان می گفتند صبح روز سیزدهم که بر می خیزند به آسمان نگاه کنند تا زندگیشان مثل آسمان درخشان و زیبا باشد . در تمام ایران سبزه های نوروز را تا قبل از غروب روز سیزده بدر به آب می اندازند تا با جریان آب به کشتزارها برسد به این نیت که برکت آن را فزونی بخشد .

این جشن و آیین نوروزی از روزگاران کهن در ایران بوده و برخی از این آیینها تا امروز پایدار مانده است و بزرگترین عید ملی ایران شمرده می شود . از دیگر اعیاد بزرگ ایرانیان مهرگان و سده می باشد که جزء نامی از آنها چیزی باقی نمانده است . نوروز را گرامی میداریم . گذشت سالی را به سال دیگر ارج می نهیم و با سر افرازی می گوئیم : این ماییم که هزاران هزار سال آفرینش انسان را جشن گرفته ایم با این چشم انداز که نوروزمان مخصوص يك روستا و يك شهر و يك منطقه نیست بلکه در سراسر این سرزمین کهنسال همراه با جوان شدن جهان پای می کو بیم و دست می افشانیم و یقین داریم فرهنگی اصیل و غنی موجب پیوستگی ایران و ایرانی می باشد و نوروز شاهرگ این فرهنگ است .

منابع :

- ۱- هنری ، مرتضی ، آیینهای نوروزی ، انتشارات فرهنگ و هنر، مرکز مردم شناسی ایران-۱۳۵۲
- ۲- مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز- ناشر سازمان میراث فرهنگی پژوهشکده مردم شناسی ۱۳۷۹
- ۳- نخستین جلسات سخنرانی و بحث درباره جشن نوروز و چهارشنبه سوری و سیزده بدر- انتشارات فرهنگ و هنر ۱۳۳۶